

آیا تعریف درستی از خود دارید؟ خود واقعی یا کودک عزیز روان چیست؟

انسان چیست؟ تعریفی از روح یا کودک عزیز روان

«اگر خودمان را به عنوان یک انسان می‌شناختیم، بسیاری از مسائل و مشکلاتمان حل می‌شد و به شادی و آرامش می‌رسیدیم.» چه قدر به این جمله اعتقاد دارید؟

ممکن است این سؤال برای شما پیش بیاید که مگر می‌شود کسی خود را به عنوان انسان نشناسد؟ متأسفانه باید بگوییم که بله. بسیاری از ما خود را به عنوان یک زن، مرد، همسر، مادر، پدر، معلم، پزشک، مهندس، مدیر، وزیر، هنرمند، ورزشکار و انواع عناوین دیگر می‌شناسیم، که البته همه آن‌ها محترم، ارزشمند و مهم هستند، اما ربطی به انسانیت ما ندارند. یعنی می‌توان گفت که در حقیقت اکثر ما خود را نمی‌شناسیم یا بهتر بگوییم، خود حقیقی‌مان را نمی‌شناسیم.

آیا از نظر شما خودشناسی، یعنی شناخت خصوصیات مثل ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی یا شناخت استعدادها و توانایی‌های جسمی و هنری؟ در علم روانشناسی بر مبنای نوع آگاهی‌ها، تلاش زیادی شده تا افراد خودشان را به خوبی بشناسند و در نتیجه این شناخت، زندگی بهتر، آرام‌تر، شادتر و آگاهانه‌تری داشته باشند؛ اما متأسفانه با وجود همه این تلاش‌ها، آمار خودکشی، سردی روابط میان اعضای خانواده، طلاق و بیماری‌های روانی از جمله افسردگی روزبه‌روز افزایش می‌یابد.

دلیل این نتیجه عکس چیست؟ مشکل اینجاست که ما تنها یک تعریف ناقص یا حتی غلط از خود داریم و مهم‌ترین بخش وجودمان، یعنی بخش انسانی یا فوق‌عقلانی که به آن «کودک عزیز روان» گفته می‌شود را نمی‌شناسیم!

به راستی انسان چیست؟ از کجا آمده، در دنیا چه می‌کند و به کجا می‌رود؟ کودک عزیز روان چیست؟ عدم شناخت انسان چه آثار و پیامدهایی دارد؟ چرا برخی تنها ظاهرشان انسان است و باطن حیوانی دارند؟ قصد داریم در این مقاله به این سؤالات

پاسخ دهیم.

تعریف انسان

برخی معتقدند اصل کلمه انسان «انسیان» است که از نسیان یا فراموشی گرفته شده و چون انسان با خدای خود عهدی بست و فراموش کرد، به این نام نامیده شد. برخی نیز معتقدند که چون انسان می‌تواند بین خود و سایر مخلوقات، انس و الفت برقرار کند، انسان نامیده شده است.

دانشمندان، روان‌شناسان و فیلسوفان نظرات بسیار متعددی در مورد چیستی انسان دارند که برخی مشابه و بعضی کاملاً مخالف یکدیگر است؛ برای نمونه برخی انسان را حیوان ناطق می‌دانند. برخی دیگر اعتقاد دارند انسان تکامل یافته موجودات دیگر است و بعضی معتقد هستند که تنها تفاوت انسان با موجودات دیگر در داشتن عقل است. حقیقتاً انسان، این موجود پیچیده، چیست؟

قبل از اینکه بدانیم انسان چیست، بهتر است ابتدا انواع کمالات در موجودات دیگر را بشناسیم تا بدانیم انسان چه چیزی نیست و در نتیجه خودمان را به غلط معنا نکنیم.

انواع کمالات عبارتند از کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی؛ کمالات جمادی مانند داشتن وزن، حجم، اندازه و خواص عنصری؛ کمالات گیاهی مانند قابلیت تغذیه، رشد، تولیدمثل، قدرت بدنی، زیبایی و لطافت و کمالات حیوانی مانند داشتن غریزه، انواع شهوت و گرایش به جنس مخالف، ازدواج، تعهد، مسکن‌گزینی، احساس مسئولیت و کار و تلاش برای خود و خانواده، وفاداری، نجابت، مهربانی، تفریح و خدمت به هم‌نوع و غیر هم‌نوع و کمالات فرشته‌ای مانند علاقه به کسب علم و کشف قوانین حاکم بر خلقت می‌باشد.

انسان دارای پنج بعد وجودی، یعنی بعد جمادی، گیاهی، حیوانی، فرشته‌ای و انسانی است؛ بنابراین همه کمالاتی که در جمادات، گیاهان و حیوانات است در انسان نیز وجود دارد. انسان مانند فرشته‌ها، کمالات عقلی نیز دارد و از این رو به علم‌آموزی علاقه نشان می‌دهد.

هر عقلی این را می‌پذیرد که انسان بابت کمالات مشترک با موجودات دیگر، انسان نامیده نمی‌شود؛ برای مثال اگر کسی یک همسر خوب و مسئولیت‌پذیر یا مادر یا پدری مهربان و دلسوز باشد، لزوماً یک انسان خوب، به معنای واقعی نیست؛ چون همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این خصوصیات در حیوانات نیز وجود دارد.

تنها تفاوت انسان با موجودات دیگر، کمالات فوق عقلی یا انسانی اوست؛ به عبارتی ما فقط به دلیل داشتن کمالات فوق عقلی، انسان نامیده می‌شویم؛ بنابراین خود حقیقی وجود ما، بخش انسانی یا کودک عزیز روان ماست. نکته مهم و قابل توجه این است که کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی نیز بسیار ارزشمند و مهم هستند، اما باید تحت حاکمیت بخش انسانی وجود ما باشند؛ در این حالت نه تنها از رشد خود حقیقی یا کودک عزیز روان جلوگیری نمی‌کنند؛ بلکه ابزاری برای رشد آن خواهند بود.

انسان از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود؟

پاسخ به این سوالات که انسان از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود، نقش بسیار مهمی در شناخت انسان دارد و از دیرباز ذهن کنجکاو بشر را به خود مشغول کرده‌اند.¹

طبیعی است که برای شناخت درست و دقیق انسان، باید همه مراحل حیات او را در نظر گرفت. انسان سه مرحله حیات دارد که عبارتند از حیات قبل از دنیا، دنیا و بعد از دنیا. انسان قبل از دنیا، نزد خداوند بوده؛ بعد به زمین آمده و جسم مادی می‌گیرد، برای مدتی در دنیا می‌ماند و دوباره به سوی خداوند برمی‌گردد. «...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ...ما از آن خداییم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم!»² واژه «معاد» نیز به معنای رفتن نیست، بلکه به معنی بازگشت است، یعنی انسان قبلاً در جایی بوده و حالا می‌خواهد به آنجا بازگردد. انسان یک موجود ابدی و جاودانه است و تا خداوند خدایی می‌کند زنده است و مرگ ندارد.

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود/به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم منسوب به مولانا جلال‌الدین بلخی (مولوی)¹

سوره بقره، آیه 2156²

انسان پس از زندگی در دنیا وارد نظامی می‌شود که میلیاردها برابر کامل‌تر، پیشرفته‌تر و جذاب‌تر از دنیاست و قوانین و فرمول‌ها و موازین خاص خودش را دارد. کسی که می‌داند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و خود را به بلندای ابدیت معنی می‌کند، یک زندگی هدفدار و کاملاً پویا در دنیا خواهد داشت و از فرصت عمری که در دنیا در اختیارش گذاشته شده به بهترین وجه استفاده خواهد کرد؛ چون می‌داند اهداف بسیار بزرگی دارد و باید برای مقامات بسیار عالی تربیت شده و رشد کند.

رابطه دنیا با آخرت، مانند رابطه رحم مادر با دنیاست؛ همان‌طور که جنین نه ماه در درون رحم مادر تلاش می‌کند و با ایجاد اعضای مانند دست، پا، چشم، گوش، بینی و مغز، خود را برای تولدی سالم به دنیا و زندگی در جهانی بزرگتر آماده می‌کند، انسان نیز باید در رحم دنیا متناسب با آخرت رشد کرده و تولدی سالم به آنجا داشته باشد. اگر انسان متناسب با ساختار آخرت رشد نکرده و لوازم مورد نیاز آنجا را به دست نیاورد، در عذاب و سختی و به اصطلاح در جهنم به سر خواهد برد؛ چنانچه اگر جنین نیز لوازم مورد نیاز دنیا مانند گوش یا چشم را از رحم مادر با خود نیاورده باشد، در دنیا در عذاب و سختی به سر خواهد برد.

خود حقیقی یا کودک عزیز روان چیست؟

کودک عزیز روان، بخش انسانی یا همان خود حقیقی وجود ماست و به واسطه حضور این بخش در ساختار وجودی ماست که ما را انسان می‌نامند. سؤال مهم و اساسی اینجاست که ماهیت کودک عزیز روان، که بخش اصلی و ابدی وجود ماست، چیست؟ خود حقیقی یا کودک عزیز روان، نفخه‌ای از خداوند است که بعد از تشکیل نطفه در رحم مادر به جسم ما تعلق می‌گیرد: «...وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...؛ ...از روح خود در او دمیدم...»^۳

سوره ص، آیه 372

خداوند در اولین تجلی خود، حقیقتی به نام روح یا حقیقت محمدیه را خلق کرد که جلوه کامل حق تعالی و دارای همه اسماء و صفات الهی است و از همین روح در وجود ما دمیده است.

روح یا کودک عزیز روان یا همان خود حقیقی وجود ما که از جنس خداوند است، عاشق کمال مطلق و بی‌نهایت یعنی خداوند است؛ به همین علت هیچ کمال محدودی او را ارضاء نمی‌کند. از این رو همه کسانی که به دنبال کمالات دنیوی مانند ثروت، زیبایی یا قدرت هستند، هرچه بیشتر آن‌ها را به دست می‌آورند، نه تنها راضی نمی‌شوند، بلکه تشنه‌تر نیز می‌شوند؛ مانند آب شور دریا که هرچه انسان بیشتر می‌نوشد، تشنه‌تر می‌شود. همه ما نمونه‌های زیادی از این افراد را در اطراف خود دیده‌ایم؛ مثل کسانی که دائماً در حال خرید زمین، ملک یا سکه طلا هستند و روزبه‌روز حریص‌تر هم می‌شوند، یا خانم‌هایی که انواع عمل‌های زیبایی را انجام می‌دهند و مدام به دنبال انواع لوازم آرایشی گوناگون برای زیباتر شدن هستند، یا کسانی که تنها دغدغه‌شان، ترفیع مقام و رسیدن به قدرت‌های بیشتر است، اما در نهایت هیچ کدام از این افراد با وجود همه تلاش‌هایشان، به شادی و آرامش مورد انتظارشان نمی‌رسند؛ چون می‌خواهند حس بی‌نهایت‌طلبی خود را با کمالات محدود دنیوی ارضاء کنند و این غیرممکن است؛ این حالت مانند زمانی است که بخواهیم تشنگی یک نفر را با انواع غذاهای رنگارنگ برطرف کنیم! درحالی‌که تنها آب می‌تواند یک فرد تشنه را سیراب و راضی کند.

معشوق کودک عزیز روان یا خود حقیقی وجود ما کمال بی‌نهایت است و جز با رسیدن به او آرام نمی‌گیریم؛ از این رو اصل «لا اله الا الله؛ انسان هیچ دلبر و معشوقی جز الله ندارد.» شعار خود حقیقی ماست. در «لا اله الا الله» حرف از یک رابطه عاشقانه و دلدادگی است. اگر کودک عزیز روان بالغ نشده باشد، انسان از الله لذتی نمی‌برد، مثل کودکی که هنوز به بلوغ جنسی نرسیده و درکی از همسر و برقراری روابط عاشقانه با او ندارد.

بنابراین «لا اله الا الله» یک ملاک سنجش است. همه ما باید به مجموعه اعمال خود بنگریم و ببینیم آیا واقعاً خداوند، اله و معشوق اصلی ماست؟ سلامت روح ما به میزانی است که در طلب محبوب و معشوق خود فعال باشد، به عبارت دیگر ما به میزانی انسان هستیم که الله را معشوق و اله خود بدانیم و در عمل نیز آن را ثابت کنیم.

متأسفانه کسانی که شناخت درستی از خود ندارند، بخش انسانی یا کودک عزیز روان را که حقیقت وجود انسان است، به رسمیت نمی‌شناسند؛ بنابراین طبیعت آن‌ها بر وجودشان حاکم می‌شود و از تغذیه و رشد کودک عزیز روان جلوگیری می‌کند.^۴ انسان تنها با رشد بخش انسانی که با انس گرفتن و شباهت به کمال بی‌نهایت به دست می‌آید، به آرامش و شادی واقعی و دائمی می‌رسد.

آثار عدم شناخت انسان

موضوع خودشناسی یا همان انسان‌شناسی مهم‌ترین و ضروری‌ترین موضوع زندگی ماست. همه ما به دنبال خوشبختی و رسیدن به آرامش و شادی هستیم، اما تا خود را به درستی نشناسیم، نمی‌توانیم به خوشبختی حقیقی برسیم. اصلاً مگر ممکن است بتوانیم چیزی که نمی‌شناسیم را به خوشبختی برسانیم؟ مسلم است که خیر.

عدم خودشناسی موجب می‌شود، که تمام تلاش‌های ما برای زندگی بهتر بیهوده بوده و استعدادهايمان به هدر برود؛ برای مثال، با توجه به اینکه تمامی علوم برای انسان است، تا وقتی که تعریف درستی از انسان نداشته و جایگاه حقیقی او را مشخص نکرده باشیم، تلاش برای پیشرفت در علوم فایده‌ای نداشته و به اصطلاح، سر بی‌صاحب تراشیدن است. برای نمونه در فلسفه چقدر آراء بیهوده و باطل داریم که عمر و وقت ما را هدر می‌دهد، یا چه قدر کتاب‌های اخلاقی وجود دارد که وقتی می‌خوانیم به جای اینکه ما را شاد، آرام و درمان کند، خموده، افسرده و غمگین می‌کند. در اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا مدیریت نیز هزار جور نظریه وجود دارد که با هم اختلاف دارند! در واقع تا انسان و حقیقت او را نشناسیم هیچ چیز را نشناخته‌ایم و علت اصلی همه مشکلات در مسائل علمی، تربیتی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی برای این است که قضیه اصلی، یعنی شناخت صحیح انسان حل نشده است.

ترسم که این تن که حائل است به جانم/سقط کند کودک عزیز روانم، مرحوم الهی قمشهای⁴

عدم شناخت درست خودمان موجب می‌شود در ارتباطات، انتخاب‌ها، رفتار، افکار و در هر نوع فعالیتی بر مبنای خود حقیقی مان عمل نکنیم؛ بنابراین با وجود اینکه از عقل، شعور و تحصیلات بهره‌مند هستیم ولی باز شکست می‌خوریم؛ به همین علت بیشتر ما از انتخاب‌هایی که در گذشته داشته‌ایم، مانند انتخاب همسر، رشته تحصیلی یا شغل پشیمان هستیم و اگر به گذشته برگردیم، همان انتخاب‌ها را نخواهیم داشت، غافل از اینکه تا وقتی که به شناخت درستی از خود نرسیده باشیم، دوباره اشتباه‌های خود را تکرار می‌کنیم.

ریشه تمام مشکلات روحی مانند اضطراب، نگرانی و ناامیدی نیز به دلیل نداشتن تعریف درست از خودمان و نشناختن نیازهای حقیقی مان است. کسی که تعریف انسان را نمی‌داند و همه دغدغه‌ها، هوس‌ها و آرمان‌هایش در حد رسیدن به کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و یا حتی عقلی است، هر مسئله یا شکستی در این زمینه‌ها او را مضطرب و غمگین می‌کند، اما کسی که خود را یک موجود ابدی و عاشق الله معنا می‌کند، دارای اهداف، هوس‌ها و دغدغه‌های بسیار متعالی‌تر است و مشکلات دنیوی، شادی و آرامش درونی او را به هم نمی‌ریزد.

به‌طور کلی اگر کودک عزیز روان یا خود حقیقی وجودمان را نشناسیم، اجازه می‌دهیم که بخش‌های پایینی وجودمان بر ما حاکم شوند؛ بنابراین به جای تقویت کمالات انسانی به تقویت سایر کمالات می‌پردازیم که در این صورت بخش انسانی وجودمان رشد نکرده و بالغ نمی‌شود و در نتیجه باطن انسانی نخواهیم داشت و این یعنی به آخرت به شکل انسان وارد نخواهیم شد.

متأسفانه از آنجا که اساساً نگاه بیشتر ما به خودمان غلط است، وضع جامعه جهانی بسیار اسفبار است و بدبختی، فساد، نکبت، جنگ، فقر، طلاق، خودکشی، قتل و غارت بیداد می‌کند. ما باید شناخت خود حقیقی را در رأس امور زندگی مان قرار دهیم و سپس تمام شئون زندگی مان از جمله کلیه ارتباطات، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، خواندنی‌ها، خوردنی‌ها، انتخاب‌ها، اعمال و افکار خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که دائماً بزرگی، قدر و قیمت، مقصد و هدف خلقتمان به ما یادآوری شود و وجودمان به تناسب ابدیتی که پیش رو داریم، ساخته شود.

در این مقاله ابتدا به معضلی عدم شناخت درست از خودمان و تعاریف غلطی که از خود داریم پرداختیم. سپس گفتیم که انسان دارای همه کمالات موجود در جمادات، گیاهان، حیوانات و کمال عقلی فرشته‌هاست و مسلم است که به خاطر هیچ کدام از این کمالات، انسان نامیده نمی‌شود؛ بلکه به خاطر بخش انسانی یا فوق عقل خود، انسان نام دارد. گفتیم که انسان سه مرحله حیات قبل از دنیا، دنیا و بعد از دنیا دارد و موجودی جاودانه و ابدی است؛ قبل از دنیا نزد خداوند بوده و بعد از دنیا نیز به سوی او بازمی‌گردد. خود حقیقی و جاودانه انسان، نفخه‌ای از روح خداست و عاشق کمال بی‌نهایت است و از این رو تنها با انس گرفتن و شباهت به خداوند به شادی و آرامش باطنی و دائمی می‌رسد. در نهایت نیز آثار بسیار منفی که عدم شناخت خود حقیقی در پی دارد را بیان کردیم. نظر شما در این باره چیست، تا چه اندازه با کودک عزیز روان خود آشتی هستید؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer